

تحلیلی بر بهبود مشارکت مردمی در امور پرداخت مالیات با تأکید بر آموزش شهروندی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی غرب شهر تهران)

مصطفی نیکنامی^۱

افسانه زمانی مقدم^۲

کامران محمدخانی^۳

محمدرضا غیاثی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۳

چکیده

یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی در کشورها، مشارکت شهروندان می‌باشد. یکی از مهمترین امور، مشارکت شهروندان در پرداخت مالیات می‌باشد. در این پژوهش به ارائه مدلی جهت ارتقاء مشارکت مردمی در پرداخت مالیات در اداره کل امور مالیاتی غرب تهران پرداخته شده است. این مطالعه به صورت ترکیبی انجام شد؛ در بخش کیفی با انتخاب نمونه‌ای ۲۰ نفره به‌طور هدفمند از خبرگان در زمینه مربوطه انجام شد. ابزار کیفی در پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته و ابزار کمی پرسشنامه محقق ساخته، بوده است. جامعه آماری برای بخش کمی ۳۸۴ نفر از مؤدیان و ۲۵۴ نفر از کارکنان اداره کل مزبور می‌باشد. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بود. روایی ابزار با توجه به نظر اساتید مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار از طریق اجرای ۳۰ پرسشنامه و تعیین آلفای کرونباخ صورت گرفته است که معادل ۰/۶۳/۹ است. آمار مورد استفاده در این پژوهش از تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون تحلیل عاملی و تحلیل عاملی تأییدی و آزمون T می‌باشد که از نرم افزارهای SPSS، استفاده از برنامه Monte Carlo PCA و تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این پژوهش ۸ عامل جهت افزایش مشارکت کشف شده است و مدل آن استخراج و مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت. در این بین، عوامل فناورانه و اقتصادی بیشترین مقدار را داشته و به‌عنوان مهمترین عامل جهت ارتقاء مشارکت معرفی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت مردمی، مالیات، آموزش، آموزش شهروندی

۱. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، bahman1110@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، afz810@gmail.com

۳. دانشیار گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)، @mghiasi2001@yahoo.com

۱- مقدمه

سیاست‌های اقتصادی، مالی و مالیاتی و موضوع‌های مرتبط با آن‌ها همواره به خصوص از زمان تشکیل دولت‌ها و پیشرفت جوامع مورد توجه بوده است؛ این مهم از زمان ارائه نظریه‌های اقتصادی و اقتصادهای پیش رفته و نوین همواره مورد توجه و از اهمیت بالایی برخوردار بوده و با گذشت زمان نیز بر اهمیت آن افزوده شده است. مالیات و سیاست‌های مالی، اقتصادی و مالیاتی اموری پیچیده، درهم تنیده و چند بعدی است که بر ابعاد و عوامل مهم اقتصادی دیگر تأثیر دارد. ابعادی چون توزیع درآمد، کارایی، تخصیص منابع، رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی، عدالت اجتماعی و... از این جمله هستند. لذا تلاش برای بهبود عوامل اقتصادی فوق مستلزم پژوهش‌های مختلف در حوزه‌های مختلفی از جمله حسابداری، مدیریت مالی و مالیاتی، علوم اقتصادی، حقوق، روانشناسی، جامعه‌شناسی و... می‌باشد.

در کشورهای در حال توسعه، حیطه فعالیت دولت به علت ضعف عملکرد بخش خصوصی گسترده است. از این رو بودجه دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری اقتصادی خواهد داشت. دولت‌ها با استفاده از ابزار بودجه، به سیاست‌گذاری مالی می‌پردازند و کارایی سیاست‌های مالی در گرو تناسب و ترکیب ابزارهای مالی و انعطاف‌پذیری و تأثیرگذاری آن‌ها بر اهداف اقتصادی می‌باشد. در اقتصاد ایران، وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و انعطاف‌ناپذیری مخارج دولت، باعث ناکارآمدی سیاست‌های مالی شده و این موضوع به نوبه خود نقش درآمدهای مالیاتی را در کاهش کسری بودجه دولتی و نوسانات آن کمرنگ کرده است (صمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲- مفاهیم نظری و تجربی پژوهش

تعریف مشارکت^۱

مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیر شدن افراد برای انجام امری است. با توجه به معنای لغوی، مشارکت امری دو جانبه تلقی می‌شود که شخصی معمولاً (البته نه همیشه) از روی میل و اراده، پذیرای آن می‌گردد که با فرد یا گروهی برای انجام کاری همیاری و همکاری می‌کند (شکوری، ۱۳۹۰). مشارکت هر چند مفهوم تازه‌ای نبوده و بشر همواره به مشارکت فزاینده روی آورده است، اما از نیمه ی دوم قرن بیستم این مفهوم با نگرشی نو به موضوعی کلیدی بدل شده است. به این دلیل که گذر به شیوه‌ی مشارکتی اداره امور و برنامه‌ریزی برای آن ضروری و گریزناپذیرتر است؛ زیرا هم ظرفیت‌ها برای مشارکت بالا رفته است و هم مسائل پیچیده‌تر شده‌اند که به وسیله دولت‌ها قابل حل باشد. (سعیدی، ۱۳۹۴: ۷).

در فرهنگ‌های لغات و اصطلاحات، در برابر واژه مشارکت این معانی به کار رفته است: تشریک

1. Participation

مساعی^۱، قدرت دادن^۲، سهیم شدن^۳، بسیج مردم^۴، مسئولیت پذیری^۵، واگذاری امور^۶، خودگردانی^۷، تقسیم کار^۸، انسانی کردن^۹، خودیاری^{۱۰}، خود اتکایی^{۱۱} و عدم تمرکز^{۱۲}. به علاوه، این مفهوم بیشتر در کنار واژه "توسعه مشارکتی"^{۱۳} به کار رفته است. و با ترکیب آن ها نگرش جدید توسعه مشارکتی رایج شده است (شکوری، ۱۳۹۰: ۱۶).

آموزش شهروندی^{۱۴}:

واژه شهروند معادل واژه Polites یونانی، Civitas لاتینی، Citizen انگلیسی و Citoyen فرانسوی است (ایران منش، ۱۳۹۴).

اجرائی نشدن برنامه ها می دانند که با کارشناسی ها و دقت نظرهای بسیاری تدوین شده باشد. شهروندی موضوعی است که نخستین بار در علوم اجتماعی مطرح شد اما ضرورت های توجه به آن سبب شد تا شاهد ظهور آن در مقوله های دیگر چون عرصه تعلیم و تربیت به عنوان یک عرصه بنیادی باشیم (فتحی و آجارگاه و همکار، ۱۳۹۶: ۳).

مالیات و مشارکت مالیاتی

مطابق تعریف صندوق بین المللی پول مالیات عبارت است: «از وجوه اجباری، غیر جبرانی، و غیر قابل برگشت که دولت برای مقاصد عمومی مطالبه می کند» (غریب، ۱۳۹۶).

تعریف مالیات^{۱۵}

طبق تعریف صندوق بین المللی پول: مالیات عبارت است از وجوه اعتباری و غیر جبرانی که دولت به منظور تأمین هزینه های عمومی از مردم دریافت می کند (اسداله زاده بالی، ۱۳۹۲).

اهمیت و ضرورت مالیات

با توجه به اهمیت و تأثیری که تصویب و اجرای قوانین و مقررات مالی و مالیاتی در کشورهای پیشرفته

1. Collaboration
2. Empowering
3. Sharing
4. Mobilization
5. Responsibility
6. Rein Free
7. Self- Management
8. Division of Labor
9. Humanization
10. Self - help
11. Self - Reliance
12. Decentralization
13. Participatory Development
14. Citizenship Education
15. Tax

دارد، می‌توان اظهار داشت که مالیات، یکی از ابزارهای تنظیم سیاست‌های مالی و مالیاتی و همچنین اقتصادی است؛ علاوه بر نقش اصلی مالیات که تأمین منابع برای اجرای برنامه‌های دولت است، هدف‌هایی مانند گسترش عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، ایجاد تعادل در مصرف و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فعالیت‌های عمرانی کشور می‌باشد. بنابراین می‌بایست نظام مالیاتی کشور به‌طور کامل از ابعاد مختلف ساختاری، فرآیندی، فلسفه وجودی، کارکردی، درآمدی و ... مورد کنکاش و توجه قرار گیرد. مالیات، به‌عنوان اهرم و ابزاری برای رشد و توسعه اقتصادی به‌کار گرفته می‌شود، همچنین از آن به‌عنوان ابزاری جهت تشویق سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، کنترل تورم، کنترل بازار، کاهش فاصله طبقاتی، زدودن فقر و ... استفاده کرد؛ و یا در جهت اعمال سیاست‌های صادراتی، گمرکی و کنترل نقدینگی استفاده شود. برای اینکه نظام مالیاتی در ایفای نقش مهم خود در اقتصاد کشور موفق باشد، باید فشار و منحنی وصول مالیات از طبقات فقیر و کم‌درآمد به طرف طبقه دارا و پردرآمد سوق پیدا کند. به‌طور کلی آثار اقتصادی مالیات همراه با آثار اجتماعی، فرهنگی و انسانی آن گسترده‌ترین مباحث هر نظام سیاسی و حکومتی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، بنابراین لازم است تا در رابطه با تعیین فرهنگ مالیات و پرداخت آن اقداماتی از جمله عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی در جامعه، مشارکت داوطلبانه و... در امور پرداخت مالیات صورت گیرد (سعیدی، ۱۳۹۱).

۳- پیشنهاد تحقیق

درآمدهای مالیاتی یکی از پایدارترین منابع جهت تأمین هزینه‌های حاکمیتی دولت‌ها می‌باشند و از این رو، نظام مالیاتی یک جزء مهم و مؤثر در اقتصاد کشورهای مختلف محسوب می‌گردد. بنابراین، همواره افزایش کارایی وصول از طریق ارتقاء درجه تمکین مالیاتی پایه‌های موجود و هم‌چنین معرفی پایه‌هایی با درجه تمکین بالا مدنظر بوده است. به‌طوری که در ایران و تعداد زیادی از کشورهای دنیال تحقق هرچه بیشتر نقش مالیات در زمینه اهداف مزبور، مالیات برارزش افزوده به‌عنوان پایه جدید مالیاتی مطرح شده است (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۲).

نجار نهاوندی و آبخوش (۱۳۹۴)، حیدری و همکار (۱۳۹۲)، صالحی و همکاران (۱۳۹۳)، کمالی و شفیعی، (۱۳۹۰)، منشادی (۱۳۹۴) عبدی و کاشف (۱۳۹۴)، نایب‌زاده و همکار (۱۳۹۲)، کیانی (۱۳۹۱)، رضوانی و همکاران (۱۳۹۵)، عباسی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به نقش و تأثیر آموزش شهروندی بر مشارکت شهروندان دارد و اینکه با آموزش شهروندی می‌توان مشارکت را افزایش داد.

پژوهش‌های خارجی، همانند پژوهش‌های داخلی اغلب بر متغیرهای جداگانه تأکید نموده‌اند و پژوهش‌هایی اغلب به صورت جداگانه به متغیرهای عوامل مشارکت مردمی، مالیات و آموزش شهروندی

پرداخته‌اند و پژوهش حاضر این شکاف را پر کرده و همه موضوعات فوق را در یک مجموعه گرد هم آورده و به صورت یکجا مورد بررسی قرار داده است. با این وجود پژوهش‌هایی که در راستای این پژوهش می‌باشند به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

مک کنویل (۲۰۱۸)، غیائی (۲۰۱۷)، د پاوول وست فاکس (۲۰۱۵)، کاترینا گنگ، اوا هافمن و اریش کریچلر (۲۰۱۵)، لاون یاهایا (۲۰۱۴)، رایموند و همکاران (۲۰۱۳)، خانی و همکار (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به نقش مشارکت و عوامل تأثیرگذار آن بر مشارکت و در نهایت به نقش مشارکت در توسعه کشورها و تأثیر آموزش شهروندی بر مشارکت شهروندان پرداختند و اینکه با آموزش شهروندی می‌توان مشارکت را افزایش داد.

مؤلفه‌های مستخرج از ادبیات تحقیق (چارچوب نظری)

در این پژوهش، پس از بررسی و مطالعه ادبیات نظری و تجربی مرتبط با موضوع پژوهش، عواملی چون نیازسنجی، اهداف و اولویت‌بندی‌ها، محتوا، برنامه‌ریزی و اجراء، شیوه ارزشیابی، مدیریت اجرایی، توانمندی استاد، امور رفاهی و خدمات، امکانات و تجهیزات و زمان به‌عنوان متغیر پیش‌بین در نظر گرفته شد و عوامل دیگری چون انگیزش، پاداش، انتظارات، سازماندهی شغلی و محیط کاری، به‌عنوان متغیر مکنون و رضایت فراگیران از دوره‌های آموزش ضمن خدمت، به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

از نظر هدف تحقیق به دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند؛ بنیادی و کاربردی. تحقیق بنیادی آن نوع تحقیقی است که به توسعه و گسترش دانش مورد تحقیق می‌انجامد. تحقیق کاربردی همان‌طور که از اسم آن مشخص است به تحقیقی گفته می‌شود که از نتایج آن در حوزه خاص پژوهش کاربرد داشته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی می‌باشد. زیرا می‌توان از نتایج آن در جهت ارتقاء مشارکت شهروندان در امور پرداخت مالیات که یکی از عوامل توسعه اقتصادی و همه جانبه کشور محسوب می‌شود استفاده نمود.

جمع‌آوری داده‌ها تجزیه و تحلیل داده

همانگونه که قبلاً بیان شد کار اصلی و مهم در پژوهش حاضر کشف پدیده اصلی بود؛ این مهم و فرآیند آن در مرحله کدگذاری انتخابی اتفاق افتاد و متعاقب آن روابط برقرار گردید. پدیده اصلی این پژوهش تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی و نیازهای آموزش شهروندی، روش آموزش، مجریان آموزشی، محتوای آموزشی می‌باشد که با کمک پژوهش کیفی و کار پر حجم و زمان بر اما عمیق، با کیفیت، با عشق، با حوصله، احساس مسئولیت، احساس خدمت، اخلاق حرفه‌ای، تجارب شغلی، پشتوانه تجربی و سال‌ها خدمت، پشتوانه تئوریکی همکاران به دست آمد؛ که این مهم می‌تواند راهگشا و رهنمودی

برای بالندگی، اثربخش، موجب تعالی سازمانی و بهره‌وری سازمانی گردد.

سئوالات اصلی در این پژوهش عبارتند از:

۱- عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات کدامند؟

۲- چه مدلی برای ارتقاء مشارکت مردمی در پرداخت مالیات می‌توان ارائه نمود؟

۳- درجه تناسب مدل از دیدگاه صاحب نظران و متخصصان چگونه است؟

تحقیق حاضر از نظر روش و نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی، توصیفی است، به این جهت که به وضع موجود پرداخته است؛ همچنین از لحاظ انجام میدانی است زیرا در یک محیط واقعی و میدانی که اداره کل امور مالیاتی غرب تهران (مؤدیان و کارکنان) است، اجرا شده است. تحقیق از طرفی ترکیبی (کمی و کیفی) است؛ زیرا برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در تحقیق از تحلیل متون و ادبیات استفاده شده و ابزارهای پژوهش کیفی (مصاحبه خبرگان) و پژوهش کمی (پرسشنامه) و اجرای آن در نمونه منتخب از جامعه مورد نظر استفاده شده است.

در این پژوهش که به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شد؛ در بخش کیفی با انتخاب نمونه‌ای ۲۰ نفره به‌طور هدفمند از خبرگان صاحب نظر در زمینه مربوطه انجام شد. ابزار کیفی در پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته و ابزار کمی پرسشنامه محقق ساخته بوده است. جامعه آماری برای بخش کمی ۳۸۴ نفر از مؤدیان و ۲۵۴ نفر از کارکنان اداره کل مزبور می‌باشد. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بود. برای بررسی روایی از روش محتوایی بهره گرفته شد که اساتید و خبرگان روایی ابزار را مورد تأیید قرار دادند. در ارزیابی پایایی ابزار از طریق اجرای ۳۰ پرسشنامه و تعیین آلفای کرونباخ صورت گرفت است که معادل ۹/۶۳ است. آمار مورد استفاده در این پژوهش تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون T و آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون تحلیل عاملی و تحلیل عاملی تأییدی می‌باشد که با استفاده از نرم‌افزارهای LISREL و SPSS صورت گرفت.

۵- یافته‌های پژوهش

در این تحقیق، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های تحقیق برای تحلیل داده‌ها حسب مورد از آزمون‌های تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، آزمون T تک نمونه‌ای و زوجی استفاده شد. نتایج تفصیلی این محاسبه‌ها در این فصل در دو قسمت توصیف و تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

الف- توصیف داده‌ها

در این قسمت از فصل چهارم داده‌های به دست آمده از اندازه‌گیری متغیرهای مختلف، حسب مورد

با استفاده از روش‌های مناسب آمار توصیفی فراوانی، درصد و شاخص‌های گرایش مرکزی نظیر میانگین، میانه، و انحراف معیار توصیف شده‌اند.

جدول (۱) - فراوانی و درصد مؤدیان و کارکنان امور مالیاتی در غرب شهر تهران

گروه‌ها		فراوانی	درصد
مؤدیان	مرد	۲۵۹	۳۹/۵۴
	زن	۱۳۴	۲۰/۴۵
کارکنان	مرد	۲۱۶	۳۲/۹۷
	زن	۴۶	۷/۰۲
جمع		۶۵۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در این بخش شاخص‌های توصیفی متغیرها شامل کمترین، بیشترین، میانگین و انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی ارائه می‌گردد:

جدول (۲) - شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در

وضعیت موجود

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
آموزش	۱/۰۰	۵/۴۲	۲/۹۲	۰/۶۹	۰/۳۰۰	-۰/۰۱۲
فرهنگ	۱/۰۰	۶/۰۰	۳/۳۹	۰/۹۰	۰/۰۱۹	-۰/۰۵۱
مدیریتی	۱/۰۰	۶/۶۷	۳/۶۶	۱/۰۱	۰/۰۵۳	-۰/۱۲۰
اجتماعی	۱/۰۰	۹/۵۵	۳/۵۹	۰/۹۹	۰/۰۲۵	-۰/۰۵۶
قانونی	۱/۰۰	۶/۲۲	۳/۵۱	۱/۰۴	۰/۰۴۵	-۰/۱۰۰
اقتصادی	۱/۰۰	۶/۰۸	۳/۴۵	۰/۹۷	۰/۰۴۳	-۰/۱۳۷
سیاسی	۱/۰۰	۶/۸۲	۳/۴۹	۱/۰۲	۰/۰۳۶	-۰/۰۶۱
فناورانه	۱/۰۰	۸/۹۱	۳/۲۳	۱/۱۴	۰/۰۵۷	-۰/۱۲۲

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانچه یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، در وضعیت موجود، کمترین میانگین مربوط به عامل «آموزش»

۲/۹۲ با انحراف معیار آن ۰/۶۹ و بیشترین میانگین مربوط به عامل «اجتماعی» ۳/۵۹ با انحراف معیار آن ۰/۹۹ است.

همچنین توزیع عامل‌ها در وضعیت موجود نشان می‌دهد که تمامی عامل‌ها دارای مقدار ناچیزی چولگی مثبت و کشیدگی منفی هستند، اما چون مقدار آنها در بازه (۱ و -۱) قرار دارد، از توزیع نسبتاً نرمال برخوردارند.

جدول (۳) - شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در وضعیت مطلوب

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
آموزش	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۶۹	۰/۵۰	-۰/۴۴۱	-۰/۶۵۳
فرهنگ	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۵۲	۰/۵۷	-۰/۲۵۶	-۰/۶۱۵
مدیریتی	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۱۹	۰/۶۱	-۰/۱۸۲	-۰/۵۰۲
اجتماعی	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۱۴	۰/۶۵	-۰/۱۴۹	-۰/۵۲۷
قانونی	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۰۳	۰/۷۳	-۰/۱۰۹	-۰/۴۶۵
اقتصادی	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۲۷	۰/۵۴	-۰/۱۴۱	-۰/۴۲۶
سیاسی	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۱۲	۰/۶۰	-۰/۱۲۹	-۰/۴۳۳
فناورانه	۴/۰۰	۷/۰۰	۶/۴۳	۰/۶۵	-۰/۵۷۲	-۰/۵۲۸

چنانچه یافته‌های جدول ۳- نشان می‌دهد، در وضعیت مطلوب، کمترین میانگین مربوط به عامل «قانونی» ۳/۰۳ با انحراف معیار آن ۰/۷۳ و بیشترین میانگین مربوط به عامل «آموزش» ۶/۶۹ با انحراف معیار آن ۰/۵۰ است.

همچنین توزیع عامل‌ها در وضعیت موجود نشان می‌دهد که تمامی عامل‌ها دارای مقدار کمی چولگی منفی و مقداری کشیدگی منفی هستند، اما چون مقدار آنها در بازه (۱ و -۱) قرار دارد، از توزیع نسبتاً نرمال در نظر برخوردارند.

ب- تحلیل استنباطی

آزمون نرمال بودن نمرات (k-s)

بر اساس محاسبات آماری پیرامون نرمال بودن نمرات در وضع موجود مشارکت مردمی در پرداخت مالیات از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شده است که نتایج به شرح ذیل می‌باشد:

با توجه به نتایج بدست آمده در تمامی شاخص‌ها مقادیر $\text{sig} > ۰/۰۵$ است که بیانگر آن است که

نمرات عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات در وضعیت موجود نرمال می‌باشند.

پاسخ به سؤال اول پژوهش

عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات کدامند؟

جهت شناسایی عوامل مؤثر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات مورد مطالعه، پس از مطالعه عمیق و موشکافانه مبانی نظری و پیشینه مطالعات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق و استفاده از نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران طی چند مرحله کدگذاری گردیده و در نهایت عوامل اصلی شناسایی شدند و سپس برای هر یک از عوامل مورد نظر، گویه‌هایی تعریف و طراحی شدند. در نهایت، برای تأیید این عوامل و روایی‌سازه، از تحلیل عامل اکتشافی^۱ (روش تحلیل مؤلفه اصلی^۲) و نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

تحلیل عامل اکتشافی اولیه بر روی پرسشنامه ۹۲ گویه‌ای

اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت برای پرسشنامه ۹۲ گویه‌ای در جدول (۴) نمایش داده شده است.

جدول (۴) - اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت برای پرسشنامه ۹۲ گویه‌ای مشارکت

مردمی

شاخص کفایت نمونه‌گیری		۰/۹۱۰
آزمون کرویت بارتلت	مجذور خی	۱۱۱۴۸۳/۲۹
	درجه آزادی	۴۱۸۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانکه در این جدول دیده می‌شود، مقدار KMO برابر با ۰/۹۱۰ است که نزدیک ۱ است. همچنین سطح معنادار بودن مشخصه آزمون کرویت بارتلت نیز صفر است که کوچکتر از ۰/۰۵ و نشان می‌دهد از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی براساس ماتریس همبستگی حاصل در گروه نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود. با اجرای تحلیل موازی مشخص شد که از داده‌های تحقیق حاضر ۸ مؤلفه می‌توان استخراج کرد. بنابراین تحلیل عاملی اکتشافی مجدداً با در نظر گرفتن ۸ عامل به‌عنوان مؤلفه‌های استخراجی اجرا می‌شود. اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت در جدول (۵) نمایش داده شده است.

1. Explanatory Factor Analysis

2. Principal Component Analysis

جدول (۵) - اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت برای استخراج ۸ مؤلفه

شاخص KMO		۰/۹۱۰
آزمون کرویت بارتلت	مجذور خی	۱۱۱۴۸۳/۲۹
	درجه آزادی	۴۱۸۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانکه در این جدول دیده می‌شود، مقدار KMO برابر با ۰/۹۱۰ است که نزدیک ۱ است. همچنین سطح معنادار بودن مشخصه آزمون کرویت بارتلت نیز صفر است که کوچکتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی حاصل در گروه نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود. باتوجه به خروجی تحلیل عاملی اکتشافی جدول اشتراکات نامیده می‌شود که ضرایب تعیین متغیرها را نشان می‌دهد. چنانچه این عدد در متغیری کوچکتر از ۰/۴ باشد، بایستی آن متغیر (سؤال) حذف شود و مجدداً تحلیل عامل اکتشافی انجام شود. هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگتر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نشان می‌دهند.

با توجه به جدول اشتراکات، مقادیر اشتراکات همه گویه‌ها بالاتر از مقدار ۰/۴ قرار داشته که تأییدی بر مناسب بودن داده‌ها و تحلیل عاملی می‌باشد.

جدول زیر مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد تراکمی عامل‌های باقیمانده در تحلیل (عامل‌هایی که دارای مقدار ویژه بزرگتر یا مساوی ۱ بودند) را قبل و پس از چرخش واریماکس نشان می‌دهد.

جدول (۶) - مقادیر ارزش ویژه، درصد واریانس و درصد تراکمی برای عامل‌های

استخراج شده در راه حل ۸ مؤلفه‌ای

مؤلفه	مقادیر ویژه			مجموع مجذورات بعد از چرخش واریماکس		
	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۲۹/۷۷۹	۳۲/۳۶۹	۳۲/۳۶۹	۱۰/۴۸۹	۱۱/۴۰۱	۱۱/۴۰۱
۲	۱۰/۹۳۴	۱۱/۸۸۴	۴۴/۲۵۳	۹/۷۰۶	۱۰/۵۵۰	۲۱/۹۵۱
۳	۸/۵۳۹	۹/۲۸۲	۵۳/۵۳۵	۹/۵۱۰	۱۰/۳۳۷	۳۲/۲۸۸

۴۲/۶۰۲	۱۰/۳۱۴	۹/۴۸۹		۶۰/۲۴۸	۶/۷۱۳	۶/۱۷۶	۴
۵۲/۵۰۵	۹/۹۰۳	۹/۱۱۰		۶۵/۷۰۰	۵/۴۵۱	۵/۰۱۵	۵
۶۱/۰۸۱	۸/۵۷۶	۷/۸۹۰		۷۰/۳۶۲	۴/۶۶۳	۴/۲۹۰	۶
۶۹/۲۰۹	۸/۱۲۷	۷/۴۷۷		۷۳/۹۵۲	۳/۵۸۹	۳/۳۰۲	۷
۷۷/۱۸۹	۷/۹۸۰	۷/۳۴۲		۷۷/۱۸۹	۳/۲۳۸	۲/۹۷۹	۸
				۷۹/۱۲۵	۱/۹۳۵	۱/۷۸۱	۹
				۸۰/۹۱۰	۱/۷۸۵	۱/۶۴۲	۱۰
				۸۲/۳۵۴	۱/۴۴۴	۱/۳۲۹	۱۱
				۸۳/۷۰۱	۱/۳۴۷	۱/۲۳۹	۱۲
				۸۴/۸۵۴	۱/۱۵۲	۱/۰۶۰	۱۳
				۸۵/۸۳۱	۰/۹۷۷	۰/۸۹۹	۱۴
				۸۶/۷۱۸	۰/۸۸۷	۰/۸۱۶	۱۵
				۸۷/۵۶۷	۰/۸۴۹	۰/۷۸۱	۱۶
				۸۸/۳۲۲	۰/۷۵۵	۰/۶۹۵	۱۷
				۸۹/۰۵۰	۰/۷۲۸	۰/۶۷۰	۱۸
				۸۹/۷۳۸	۰/۶۸۸	۰/۶۳۳	۱۹
				۹۰/۳۳۷	۰/۵۹۹	۰/۵۵۱	۲۰

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانکه در این جدول دیده می‌شود، ارزش‌های ویژه ۸ عامل بزرگتر مساوی یک است، و درصد پوشش واریانس مشترک بین متغیرها برای این ۸ عامل بر روی هم ۷۷/۱۹ درصد کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، چنانچه از مجموعه گویه‌ها بر پایه مطالب بالا، ۸ عامل استخراج شود، به اندازه ۷۷/۱۹ درصد کل واریانس تبیین می‌شود. در این میان، عامل اول ۱۱/۴۰ درصد از واریانس کل و عامل هشتم ۷/۹۸ درصد از واریانس مشترک را توجیه می‌کند. روی هم رفته پس از انجام تحلیل عاملی و اجرای شیوه چرخش واریماکس برای ساده‌سازی مؤلفه‌ها، مشخص شد که بهترین راه حل عاملی، دارای ۸ عامل است. بنابراین از مجموع گویه‌ها، ۸ عامل به‌عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شدند. لازم به ذکر است که مقادیر چرخش‌یافته بر اثر ۸ تکرار حاصل شده و پس از این تعداد تکرار، در چرخش واریماکس همگرایی حاصل شده است.

۱- عامل اول: عامل «فرهنگ» نام گرفته است. این عامل ۱۱/۴۰ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۳ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «تدوین منشور اخلاقی برای کارکنان سازمان امور مالیاتی در امور اجرایی مؤدیان (رسیدگی، تشخیص و وصول)» با وزن ۰/۸۴۰ و کمترین وزن عاملی به گویه «انسجام و هماهنگی بین واحدهای مختلف سازمان امور مالیاتی» با وزن ۰/۵۰۵ تعلق دارد.

۲- عامل دوم: عامل «آموزش» نام گرفته است. این عامل ۱۰/۵۵ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۲ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «آشنایی دانش آموزان و دانشجویان با قوانین و اهمیت مالیات از طریق برنامه درسی مراکز آموزشی» با وزن ۰/۸۶۱ و کمترین وزن عاملی به گویه «آموزش آشنایی با قوانین مالیاتی و اهمیت مالیات به مؤدیان از طریق رسانه‌ها» با وزن ۰/۶۹۷ تعلق دارد.

۳- عامل سوم: عامل «فناورانه» نام گرفته است. این عامل ۱۰/۳۴ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۰ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «ایجاد پایگاه اطلاعاتی ذی نفعان سازمان امور مالیاتی کشور» با وزن ۰/۹۰۵ و کمترین وزن عاملی به گویه «الکترونیکی شدن تمام فرآیندها و فعالیتهای اجرایی در سیستم مالیاتی کشور» با وزن ۰/۸۱۵ تعلق دارد.

۴- عامل چهارم: عامل «اقتصادی» نام گرفته است. این عامل ۱۰/۳۱ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۲ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «نقش و جایگاه مالیات در توسعه ملی و همه جانبه کشور و کاهش وابستگی به ذخایر ملی (نفت و ...)» با وزن ۰/۸۵۵ و کمترین وزن عاملی به گویه «مجازات کتمان اطلاعات و پنهان کاری در امور مالیاتی» با وزن ۰/۵۹۹ تعلق دارد.

۵- عامل پنجم: عامل «اجتماعی» نام گرفته است. این عامل ۹/۹۰ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۱ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «کمک به تحقق بهبود مستمر در ایجاد شغل و کاهش فقر در جامعه با منابع مالیات» با وزن ۰/۸۳۴ و کمترین وزن عاملی به گویه «تعهد و امانت داری مسئولین و کارکنان سیستم مالیاتی نسبت به حقوق مؤدیان» با وزن ۰/۷۱۳ تعلق دارد.

۶- عامل ششم: عامل «مدیریتی» نام گرفته است. این عامل ۸/۵۸ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۹ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «کاهش تعداد دفعات مراجعه مؤدیان به سازمان امور مالیاتی جهت یک فعالیت اجرایی» با وزن ۰/۸۵۳ و کمترین وزن عاملی به گویه «تفویض اختیار در سازمان امور مالیاتی جهت تسهیل امور مؤدیان مالیاتی»

با وزن ۰/۶۶۲ تعلق دارد.

۷- عامل هفتم: عامل «سیاسی» نام گرفته است. این عامل ۸/۱۳ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۱ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «حاکمیت قانون و اجرای بی طرفانه آن در کلیه مراحل اجرایی در سازمان امور مالیاتی» با وزن ۰/۸۰۳ و کمترین وزن عاملی به گویه «کمک به تحقق خواسته ها و انتظارات منطقی مؤدیان از سیستم مالیاتی کشور» با وزن ۰/۶۰۶ تعلق دارد.

۸- عامل هشتم: عامل «قانونی» نام گرفته است. این عامل ۷/۹۸ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۹ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «بازنگری و شفاف نمودن معافیت‌ها و بخشودگی های مندرج در قوانین و مقررات مالیاتی جهت افزایش پایه مالیاتی» با وزن ۰/۸۴۷ و کمترین وزن عاملی به گویه «نظارت نهادهای مردم نهاد بر کلیه فرآیندهای اجرایی (ثبت نام، رسیدگی، تشخیص و وصول مالیات) و هزینه نمودن مالیات‌ها» با وزن ۰/۶۱۶ تعلق دارد.

سؤال دوم پژوهش

چه مدلی برای ارتقاء مشارکت مردمی در پرداخت مالیات می توان ارائه نمود؟
برای پاسخ به این سؤال ابتدا براساس عوامل مستخرجه از سؤال یک تحقیق، مدل مفهومی تدوین شد. سپس برای آزمون و تأیید مدل مفهومی تحقیق از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری^۱ (SEM) از نوع مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای این منظور مدل مفهومی تحقیق در بسته نرم افزاری LISREL اجرا شد.

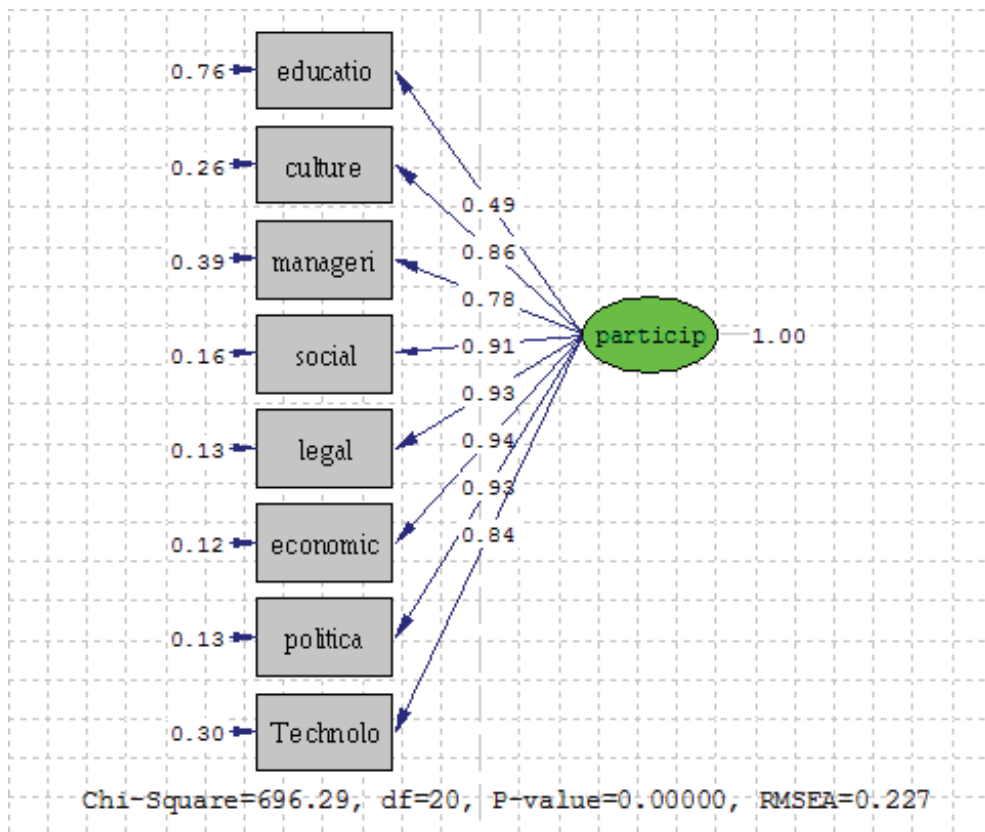
تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی

در مدل تحلیل عاملی، دو نوع متغیر وجود دارد: متغیر پنهان و متغیر مشاهده شده. متغیر پنهان، متغیری است که به صورت مستقیم نمی توان اندازه گیری نمود و باید آنها را از طریق شاخصها یا متغیرهای مشاهده پذیری که به صورت مستقیم قابلیت اندازه گیری را دارند، مورد سنجش و اندازه گیری قرار داد و در دیاگرام مسیر با دایره یا بیضی مشخص می شوند. در این پژوهش مشارکت مردمی، متغیر پنهان است.

متغیر آشکار (مشاهده شده)، متغیرهایی هستند که با مشاهده مستقیم رویداد بدست می آیند که به عنوان شاخص اندازه گیری یک متغیر پنهان ایفای نقش می کنند و در دیاگرام مسیر با مستطیل مشخص می شوند. در این مدل، ۸ عامل در نظر گرفته شده برای مشارکت مردمی، به عنوان متغیرهای مشاهده شده آن به حساب می آیند.

الف) مدل کلی در حالت برآورد استاندارد: شکل (۱) مدل تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی را در حالت تخمین ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. مدل در حالت برآورد استاندارد بارهای عاملی هر یک از عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی را نشان می‌دهد. همانطور که در شکل مشخص است بار عاملی همه عوامل در حد قابل قبولی قرار دارد. مدل در حالت تخمین استاندارد نشان دهنده میزان همبستگی متغیرهاست.

شکل (۱) - مدل تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی در حالت برآورد استاندارد

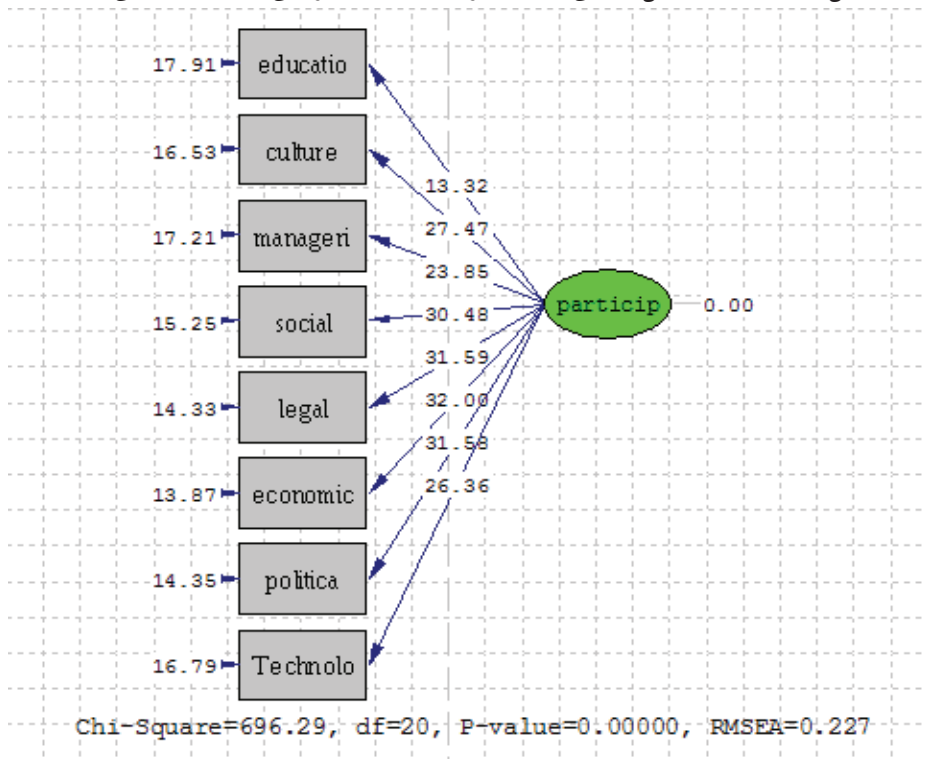


منبع: یافته‌های پژوهش

ب) مدل در حالت معنی‌داری: شکل (۱) مدل تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی را در حالت ضرایب معناداری (t-value) نشان می‌دهد. این مدل در واقع تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) را با استفاده از آماره t ، آزمون می‌کند. بر طبق این مدل، در صورتی که مقدار قدر مطلق آماره t مسیر از $1/96$ بزرگتر باشد، ضریب مسیر و بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد.

باتوجه به اینکه در شکل (۲)، کلیه مقادیر آماره t مسیرها بزرگتر از $1/96$ هستند، بنابراین ارتباط معناداری بین هریک از عوامل مؤثر با مشارکت مردمی وجود دارد. قابل ذکر است که مسیرهای حذف شده مدل در حالت معنی داری مربوط به پارامترهایی هستند که در برآورد مدل تثبیت شده‌اند و در دیاگرام مسیر در حالت ضرایب استاندارد با رنگ خاکستری نشان داده می‌شوند. از این رو مقدار t برای آنها محاسبه نمی‌شود. به همین دلیل از دیاگرام مسیر در حالت معنی داری حذف شده‌اند.

شکل (۲) - مدل تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی در حالت معنی داری



منبع: یافته‌های پژوهش

جدول زیر شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی را نشان می‌دهد.

جدول (۷) - شاخص‌های برازش مربوط به کل مدل

نام شاخص	برآوردها		حد مجاز
مجذور کای	$\chi^2/df = ۶۹۶/۲۹$		$P < ۰/۰۵$
	$P = ۰/۰۰۰$	$df = ۲۰$	
مجذور کای بر درجه آزادی	۳/۴۶		کمتر از ۵
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA	۰/۲۲۷		کمتر از ۰/۰۸
نیکویی برازش GFI	۰/۷۹		بالاتر از ۰/۹
نیکویی برازش اصلاح شده AGFI	۰/۶۲		بالاتر از ۰/۹
برازندگی نرم شده NFI	۰/۹۳		بالاتر از ۰/۹
برازندگی نرم نشده NNFI	۰/۹۱		بالاتر از ۰/۹
ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد SRMR	۰/۰۵۹		کوچکتر از ۰/۰۵
برازندگی تطبیقی CFI	۰/۹۴		بالاتر از ۰/۹

منبع: یافته‌های پژوهش

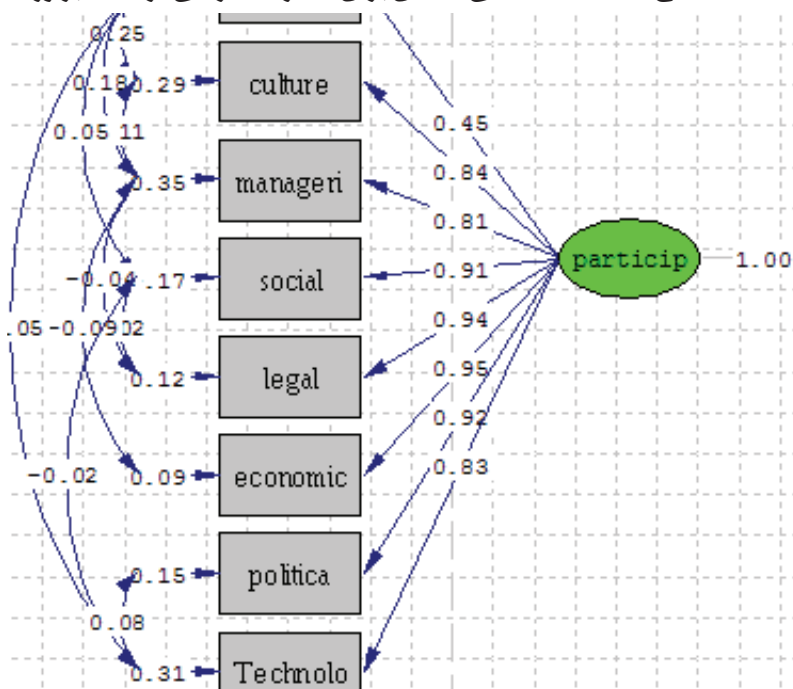
از آزمون اغلب به عنوان شاخص نیکویی برازش نام برده می‌شود. این شاخص به سادگی نشان می‌دهد که «آیا مدل ساختار روابط میان متغیرهای مشاهده شده را توصیف می‌کند یا خیر». آزمون خی‌دو این فرض صفر را می‌آزماید که بین ماتریس کواریانس نمونه و ماتریس کواریانس ضمنی (جامعه) تفاوت وجود ندارد. با توجه به جدول فوق، مقدار مجذور کای با درجه آزادی ۲۰ برای این مدل ۶۹۶/۲۹ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ برآورد شده که در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم آزمون مجذور کای برازش دقیق مدل را با داده‌های مشاهده شده رد می‌کند. برخی از محققان از نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (df) به عنوان شاخصی جایگزین استفاده می‌کنند. در مورد نسبت مجذور کای به درجه آزادی مقدار زیر ۳ قابل قبول است و حتی تا مقدار ۵ نیز به عنوان برازش معقول توصیه می‌شود (بولن، ۱۹۸۹). نسبت مجذور کای به درجه آزادی در مدل حاضر برابر ۳/۴۶ محاسبه شده است که نشان دهنده برازش معقولی برای مدل می‌باشد. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA برای مدل‌های خوب ۰/۰۵ است. در صورتی که بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد، برازش قابل قبول، اگر بین ۰/۰۸ تا ۰/۱ باشد، برازش متوسط است و مدلی که در آن این شاخص از ۰/۱ بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. این شاخص در

مدل ارائه شده برابر ۰/۲۲۷ است که نشان می‌دهد مدل از برازش ضعیفی برخوردار است. SRMR برای این مدل ۰/۰۵۹ برآورد شده که مقادیر کوچکتر از ۰/۰۵ نشان از تبیین نسبتاً مناسب کوواریانس‌ها دارد.

سایر شاخص‌ها نیز می‌بایستی از ۰/۹ بیشتر باشند که در مدل پژوهش این شرط برآورده شده است. اما مقادیر شاخص‌های GFI و AGFI به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۲ برآورد شده که از حد مجاز ۰/۹ پایین‌تر هستند. با توجه به شاخص‌های به دست آمده نتیجه می‌گیریم که در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی نیست. اما خروجی نرم‌افزار مجموعه‌ای از شاخص‌ها را برای اصلاح مدل پیشنهاد می‌کند که این اصلاحات بر روی مدل فوق اعمال گردیده و نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود.

الف) مدل اصلاح شده در حالت برآورد استاندارد: شکل (۳) مدل اصلاح شده تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی را در حالت تخمین ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. مدل در حالت برآورد استاندارد، بارهای عاملی هر یک از عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی را نشان می‌دهد. همانطور که در شکل مشخص است بار عاملی همه عوامل در حد قابل قبولی قرار دارد. مدل در حالت تخمین استاندارد، نشان دهنده میزان همبستگی متغیرها است.

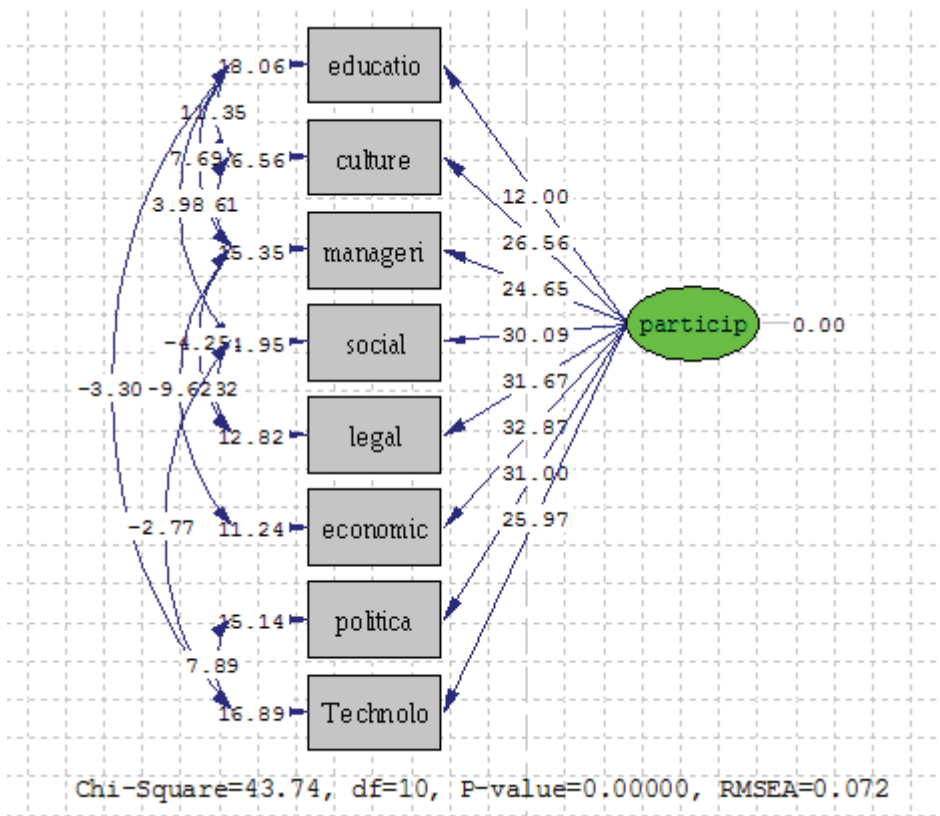
شکل (۳) - مدل اصلاح شده تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی در حالت برآورد استاندارد



منبع: یافته‌های پژوهش

ب) مدل اصلاح شده در حالت معنی‌داری: شکل (۴) مدل اصلاح شده تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی را در حالت ضرایب معناداری (t-value) نشان می‌دهد. این مدل در واقع تمامی معادلات اندازه‌گیری را با استفاده از آماره t، آزمون می‌کند. بر طبق این مدل، در صورتی که مقدار قدرمطلق آماره t مسیر از ۱/۹۶ بزرگتر باشد، ضریب مسیر و بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد.

شکل (۴) - مدل اصلاح شده تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی در حالت معنی‌داری



منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه کلیه مقادیر آماره t مسیرها بزرگتر از ۱/۹۶ هستند، بنابراین ارتباط معناداری بین هریک از عوامل با مشارکت مردمی وجود دارد. قابل ذکر است که مسیرهای حذف شده مدل در حالت معنی‌داری مربوط به پارامترهایی هستند که در برآورد مدل تثبیت شده‌اند و در دیاگرام مسیر در حالت ضرایب استاندارد با رنگ خاکستری نشان داده می‌شوند. از اینرو مقدار t برای آنها محاسبه

نمی‌شود. به همین دلیل از دیاگرام مسیر در حالت معنی‌داری حذف شده‌اند. جدول زیر شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده تحلیل عاملی تأییدی برای مشارکت مردمی را نشان می‌دهد.

جدول (۸) - شاخص‌های برازش مربوط به مدل اصلاح شده

نام شاخص	برآوردها		حد مجاز
مجذور کای	$=43/74$		$< P/0.5$
	$P=0/000$	$df=10$	
مجذور کای بر درجه‌ی آزادی	$4/37$		کمتر از ۵
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA	$0/07$		کمتر از $0/08$
نیکویی برازش GFI	$0/98$		بالاتر از $0/9$
نیکویی برازش اصلاح شده AGFI	$0/93$		بالاتر از $0/9$
برازندگی نرم شده NFI	$0/99$		بالاتر از $0/9$
برازندگی نرم نشده NNFI	$0/99$		بالاتر از $0/9$
ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد SRMR	$0/01$		کوچکتر از $0/05$
برازندگی تطبیقی CFI	$1/00$		بالاتر از $0/9$

منبع: یافته‌های پژوهش

از آزمون اغلب به‌عنوان شاخص نیکویی برازش نام برده می‌شود. این شاخص به سادگی نشان می‌دهد که آیا مدل ساختار روابط میان متغیرهای مشاهده شده را توصیف می‌کند یا خیر. آزمون خی دو این فرض صفر را می‌آزماید که بین ماتریس کواریانس نمونه و ماتریس کواریانس ضمنی (جامعه) تفاوت وجود ندارد. با توجه به جدول فوق، مقدار مجذور کای با درجه آزادی ۱۰ برای این مدل $43/74$ و سطح معنی‌داری آن $0/000$ برآورد شده که در سطح $0/05$ معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم آزمون مجذور کای برازش دقیق مدل را با داده‌های مشاهده شده رد می‌کند. برخی از محققان از نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (df) به‌عنوان شاخصی جایگزین استفاده می‌کنند. در مورد نسبت مجذور کای به درجه آزادی مقدار زیر ۳ قابل قبول است و حتی تا مقدار ۵ نیز به‌عنوان برازش معقول توصیه می‌شود (بولن، ۱۹۸۹). نسبت مجذور کای به درجه آزادی در مدل حاضر برابر $4/37$ محاسبه شده است که نشان دهنده برازش قابل قبولی برای مدل می‌باشد. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA برای مدل‌های خوب $0/05$ است.

در صورتی که بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد، برازش قابل قبول، اگر بین ۰/۰۸ تا ۰/۱ باشد، برازش متوسط است و مدلی که در آن این شاخص از ۰/۱ بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. این شاخص در مدل ارائه شده برابر ۰/۰۷ است که نشان می‌دهد مدل از برازش قابل قبول برخوردار است. SRMR برای این مدل ۰/۰۱ برآورد شده که مقادیر کوچکتر از ۰/۰۵ نشان از تبیین نسبتاً مناسب کوواریانس‌ها دارد. سایر شاخص‌ها نیز می‌بایستی از ۰/۹ بیشتر باشند که در مدل پژوهش این شرط برآورده شده است. رویهم رفته می‌توان گفت در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی است و داده‌های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق می‌باشند.

با استفاده از نتایج و خروجی‌های مدلیابی معادلات ساختاری، نتایج بخش اندازه‌گیری مدل به شرح زیر ارائه می‌شود. نتایج مدلیابی معادلات ساختاری براساس ضرایب استاندارد، آماره t ، سطح معنی‌داری و نتیجه تأیید یا عدم تأیید ضرایب در جدول زیر خلاصه شده است. شاخصی که بار عاملی بالاتری داشته باشد، سهم بیشتری در اندازه‌گیری سازه مربوطه ایفا می‌کند.

جدول (۹) - نتایج بخش اندازه‌گیری مدل مشارکت مردمی

متغیرهای پنهان	متغیرهای آشکار	بار عاملی	خطا	آماره t	R^2	sig	نتیجه
مشارکت مردمی	آموزش	۰/۴۵	۰/۰۲۶	۱۲/۰۰	۰/۲۰	<۰/۰۵	معنادار
	فرهنگ	۰/۸۴	۰/۰۲۹	۲۶/۵۶	۰/۷۱	<۰/۰۵	معنادار
	مدیریتی	۰/۸۱	۰/۰۳۳	۲۴/۶۵	۰/۶۵	<۰/۰۵	معنادار
	اجتماعی	۰/۹۱	۰/۰۳۰	۳۰/۰۹	۰/۸۳	<۰/۰۵	معنادار
	قانونی	۰/۹۴	۰/۰۳۱	۳۱/۶۷	۰/۸۸	<۰/۰۵	معنادار
	اقتصادی	۰/۹۵	۰/۰۲۸	۳۲/۸۷	۰/۹۱	<۰/۰۵	معنادار
	سیاسی	۰/۹۲	۰/۰۳۰	۳۱/۰۰	۰/۸۵	<۰/۰۵	معنادار
	فناورانه	۰/۸۳	۰/۰۳۶	۲۵/۹۷	۰/۶۹	<۰/۰۵	معنادار

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول فوق بار عاملی هر یک از عامل‌های های وارد شده به نرم افزار لیزرل به منظور ارائه مدل مشارکت مردمی را بر روی مشارکت مردمی نشان می‌دهد.

عامل «آموزش» دارای کمترین بار عاملی (۰/۴۵) می‌باشد. بنابراین از کمترین سهم در اندازه‌گیری «مشارکت مردمی» برخوردار می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۲۰ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «آموزش» تبیین می‌شود.

عامل «مدیریتی» دارای بار عاملی (۰/۸۱) بر روی «مشارکت مردمی» می‌باشد. براساس ضریب تعیین

(R^2) محاسبه شده ۶۵ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «مدیریتی» تبیین می‌شود. عامل «فناورانه» دارای بار عاملی (۰/۸۳) بر روی «مشارکت مردمی» می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۶۹ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «فناورانه» تبیین می‌شود. عامل «فرهنگ» دارای بار عاملی (۰/۸۷) بر روی «مشارکت مردمی» می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۷۱ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «فرهنگ» تبیین می‌شود. عامل «اجتماعی» دارای بار عاملی (۰/۹۱) بر روی «مشارکت مردمی» می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۸۳ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «اجتماعی» تبیین می‌شود. عامل «سیاسی» دارای بار عاملی (۰/۹۲) بر روی «مشارکت مردمی» می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۸۵ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «سیاسی» تبیین می‌شود. عامل «قانونی» دارای بار عاملی (۰/۹۴) بر روی «مشارکت مردمی» می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۸۸ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «قانونی» تبیین می‌شود. عامل «اقتصادی» دارای بیشترین بار عاملی (۰/۹۵) می‌باشد. بنابراین از بیشترین سهم در اندازه‌گیری «مشارکت مردمی» برخوردار می‌باشد. براساس ضریب تعیین (R^2) محاسبه شده ۹۱ درصد واریانس «مشارکت مردمی» توسط عامل «اقتصادی» تبیین می‌شود.

ماتریس واریانس - کوواریانس

در تحقیقات تحلیل عاملی و مدل معادلات ساختاری، ماتریس همبستگی یا کوواریانس است که تحلیل می‌شود. ماتریس کوواریانس به منظور یک بررسی اولیه از روابط میان متغیرهای یک مجموعه داده‌های چند متغیری استفاده می‌شود. اگر بین متغیرها ارتباط خطی مثبت وجود داشته باشد، کوواریانس مثبت و اگر ارتباط بین متغیرها عکس باشد، کوواریانس منفی و اگر ارتباط خطی بین متغیرها وجود نداشته باشد، کوواریانس صفر خواهد بود.

جدول (۱۰) - ماتریس واریانس - کوواریانس متغیرهای آشکار

	آموزش	فرهنگ	مدیریتی	اجتماعی	قانونی	اقتصادی	سیاسی	فناورانه
آموزش	۰/۴۸							
فرهنگ	۰/۴۰	۰/۸۱						
مدیریتی	۰/۳۹	۰/۷۳	۱/۰۳					
اجتماعی	۰/۳۳	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۹۷				
قانونی	۰/۳۲	۰/۷۴	۰/۷۴	۰/۸۹	۱/۰۸			

اقتصادی	۰/۲۷	۰/۶۸	۰/۶۵	۰/۸۲	۰/۹۱	۰/۹۴		
سیاسی	۰/۲۹	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۸۴	۰/۹۱	۰/۸۸	۱/۰۴	
فناورانه	۰/۲۵	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۸۹	۰/۸۷	۰/۹۸	۱/۲۹

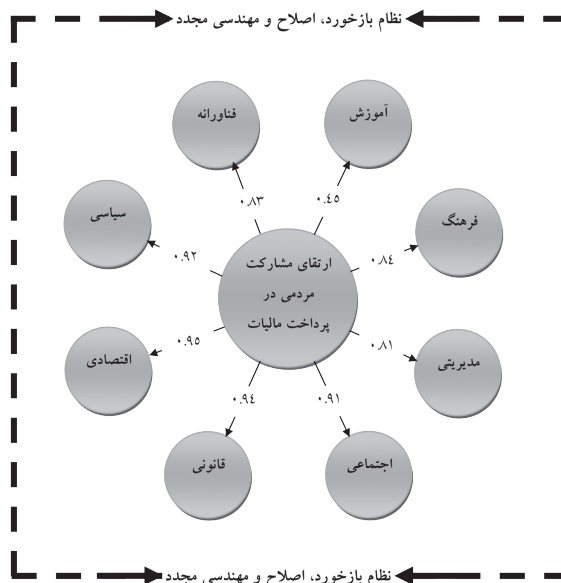
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول فوق ماتریس واریانس کواریانس متغیرهای آشکار موجود در مدل را نشان می‌دهد که عناصر روی قطر اصلی بیانگر واریانس متغیر مربوطه می‌باشد که در واقع تغییرات داخل هر متغیر را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال واریانس «آموزش» برابر با ۰/۴۸ است که نشان دهنده کمترین تغییرات درون متغیر بوده و بیشترین واریانس مربوط به «فناورانه» با اندازه ۱/۲۹ است.

عناصر خارج از قطر اصلی این ماتریس نیز نشان دهنده کواریانس دو متغیر می‌باشد که به علت تقارن تابع کواریانس تنها عناصر پایین یا بالای قطر در نظر گرفته می‌شوند. هر چه میزان کواریانس بین دو متغیر بزرگتر باشد می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی بین آنها نیز بیشتر است. به‌عنوان مثال در این جدول بیشترین کواریانس بین «سیاسی» و «فناورانه» وجود دارد که برابر ۰/۹۸ است. کمترین کواریانس‌ها مربوط به کواریانس بین «آموزش» و «فناورانه» با میزان ۰/۲۵ است.

بنابراین مدل پیشنهادی ارتقاء مشارکت مردمی در پرداخت مالیات به‌صورت شکل شماره زیر ارائه می‌گردد.

شکل (۵) - مدل ارتقاء مشارکت مردمی در پرداخت مالیات



منبع: یافته‌های پژوهش

دیدگاه صاحب نظران و متخصصان در خصوص عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء مشارکت مردمی در پرداخت مالیات چگونه است؟

نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه متخصصان تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی با میانگین نظری در سطح خطای $\alpha = 0/05$ معنادار می‌باشد ($\alpha < 0/05$).

۶- نتیجه‌گیری

همانگونه که در بخش یافته‌ها مشاهده می‌شود، عوامل ۸ گانه بر مشارکت مردمی دخالت داشته و به‌عنوان عوامل مشارکت استخراج شده‌اند. پس از استخراج عوامل مشارکت، عوامل مزبور به خبرگان ارسال گردید که با توجه نظر ایشان عوامل فرعی در ۸ طبقه کلی به شرح زیر طبقه‌بندی شد.

جدول (۱۱) - عوامل کلی ارتقاءدهنده مشارکت

ردیف	عوامل جزئی	عوامل کلی
۱	یادگیری (نگرش، آگاهی)، محتوا (دانش، مهارت)، روش، مجری	آموزش
۲	ارزش‌ها، صداقت، اعتماد، انسجام	فرهنگ
۳	ساختاری، اداری، بوروکراسی	مدیریتی
۴	عدالت، تعهد، تعامل و ارتباط مؤثر، ارائه خدمت	اجتماعی
۵	شفاف‌سازی، ثبات، ضمانت اجرایی	قانونی
۶	توسعه اقتصادی، هزینه کتمان، شاخص‌های کلان اقتصادی (رشد، تورم، رکود)، نقش درآمدی در بودجه	اقتصادی
۷	قدرت، شهروندمداری، کنترل و نظارت، حکمرانی خوب	سیاسی
۸	مالیات الکترونیکی، امنیت الکترونیکی، خدمات و مشاوره الکترونیکی	فناورانه

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانچه بیان شد عوامل یادگیری، محتوا، روش و مجری، به‌عنوان عامل کلی آموزش؛ ارزش‌ها، صداقت، اعتماد، انسجام به‌عنوان عامل کلی فرهنگ؛ ساختاری، اداری، بوروکراسی به‌عنوان عامل کلی مدیریتی؛ عدالت، تعهد، تعامل و ارتباط مؤثر، ارائه خدمت به‌عنوان عامل کلی اجتماعی؛ شفاف‌سازی، ثبات، ضمانت اجرایی به‌عنوان عامل کلی قانونی؛ توسعه اقتصادی، هزینه کتمان، شاخص‌های کلان اقتصادی (رشد، تورم، رکود)، نقش درآمدی در بودجه به‌عنوان عامل کلی اقتصادی؛ قدرت، شهروندمداری، کنترل و نظارت، حکمرانی خوب به‌عنوان عامل کلی سیاسی و مالیات الکترونیکی، امنیت الکترونیکی، خدمات و مشاوره الکترونیکی به‌عنوان کلی فناورانه طبقه‌بندی شدند.

در این راستا نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های، افتخار نظام، (۱۳۹۴)، غیاثی نیوزلند (آموزش

شهروندی و آموزش امور مالیاتی، (۲۰۱۷)، کاواجا و همکاران، (۲۰۱۱) و حمیدی و همکاران (۱۳۹۴) و رامشینی، محمود، جمشیدی، ناصر و غلامحسین اسدی، (۱۳۹۵)، آندریوز و مایکوک، (۲۰۰۷)، عظیمی (۱۳۹۱)، کاسیپیلای و همکاران، (۲۰۰۳)، رایموند و همکاران (۲۰۱۳)، صالحی و همکاران (۱۳۹۳)، الماسی و همکاران (۱۳۹۳) آلابده و همکاران (۲۰۱۲)، چن، جابیلدادو، کاپیسترانو و ین، (۲۰۱۵) و دلوی، محمدرضا و رحیمی اصل، رضا، ۱۳۹۳، جنتی و همکار (۱۳۹۵)، کاترینا گنگ، اوا هافمن و اریش کریچلر (۲۰۱۵)، کریچلر و همکاران (۲۰۱۶)، هم راستا می باشند.

به این لحاظ مسئولین سازمان امور مالیاتی، نظام آموزشی، فرهنگی و ... بایستی با همکاری یکدیگر و به کارگیری عوامل تأثیرگذار فوق نسبت به فراهم آوردن و به کار بستن آنها زمینه مشارکت را فراهم نمایند.

با توجه به پیشینه و ادبیات پژوهش و با نگاهی نو به یافته‌های حاصل از پژوهش میدانی می‌توان گفت هر پدیده‌ای در اثر عوامل مختلف و در برخورد با موضوعات مختلف دستخوش تغییر می‌گردد؛ یکی از این پدیده‌ها؛ مسأله مالیات و نحوه مشارکت مردم و شهروندان در پرداخت مالیات است. لذا شناخت این عوامل می‌تواند به سیاستمداران، برنامه‌ریزان و اقتصاددانان، اصحاب فرهنگ و رسانه و متولیان آموزش و پرورش و دیگر مسئولین مربوطه کمک نماید که با بینش نو به این مهم توجه نمایند و در سیاست‌گذاری‌های خود آن را بیشتر مورد توجه قرار دهند. مسأله مهم مالیات برای بیشتر اقتصاددانان و برای کشورهای توسعه یافته به عنوان اصلی‌ترین و در بعضی کشورها به عنوان منحصر به فردترین منبع تأمین مالی کشور می‌باشد، مالیات در رفاه اجتماعی، امنیت اجتماعی، آموزش، بهداشت، سلامت، امور زیربنایی، حمل و نقل، اشتغال، و... تأثیر شگرفی دارد، به این سبب بایستی توجه نمود که چگونه می‌توان این عوامل را بهتر در فرآیندها به کار گرفت یا با آموزش زمینه بهبود آن را رقم زد. لذا می‌توان گفت با آموزش یا کاربست و یا آموزش کاربست هر یک از عوامل ۸ گانه می‌توان در مشارکت شهروندان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. لذا اگر به برنامه‌ریزی بلند مدت توجه کرد بایست اشاره نمود که آموزش و یادگیری از پایه در مقاطع رسمی پیش دبستانی، دبستان، مقاطع اول و دوم متوسطه و دانشگاه را مورد توجه قرار داد. با این مهم هم فرهنگ مالیاتی ارتقاء یافته و هم خیلی از عوامل فوق را به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فهرست منابع

۱. ایران منش، محمدرضا (۱۳۹۴). مفهوم شهروند (مفاهیم، مؤلفه‌ها، اصول، زمینه‌ها و الگوها)، انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۴، تهران.
۲. اشرف نظری، علی (۱۳۹۴). شهروندی و هویت، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۹۴، تهران.
۳. اسداله‌زاده بالی، میررستم (۱۳۹۲). قوانین و مقررات عمومی و دانستنی‌های سازمان امور مالیاتی کشور
۴. امیری، مریم، یوسفی، حمیدرضا، بلوکی، پله شاهی، محمد (۱۳۹۵). نقش میانجی عوامل فردی در ارتباط بین عوامل مؤثر بر افزایش تمایل به خود اظهاری مالیات اشخاص حقیقی، مجموعه مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
۵. احتشامی، صادق و عبدی، فائزه (۱۳۹۵). ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر نظام مالیات، مجموعه مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
۶. پورعسکری، علی اصغر (۱۳۷۷). حسابداری مالیاتی، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
۷. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۹۳). مبانی اقتصاد اسلامی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۸. جنتی، نادر، میرمحمدی، سید محمد (۱۳۹۵). مروری بر تجربه اصلاح نظام مالیاتی در ایران و جهان با تأکید بر مدرنیزاسیون دستگاه مالیاتی، فصلنامه علمی، پژوهشی (پژوهشنامه مالیات)، شماره ۳۱، سال ۸۹، ۹۳.
۹. جنتی، نادر، میر محمدی، سیدمحمد (۱۳۹۶). مروری بر تجربه اصلاح نظام مالیاتی در ایران و جهان، با تأکید بر مدرنیزاسیون دستگاه مالیاتی، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، سال ۲۲، شماره ۳۱.
۱۰. چگینی، سهیلا، شاکری، مجتبی (۱۳۹۴). ارائه مدلی جهت پذیرش پرداخت آنلاین مالیات (مطالعه موردی: استان قزوین)، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۳۵۳.
۱۱. حیدری، محمدحسین، نریمانی، محمد (۱۳۹۲). اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی شهروندی از نظر اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، سال هفتم، شماره ۷۶، تابستان.
۱۲. دهقان منشادی، فاطمه، روشن، عبدالرضا (۱۳۹۴). ارائه یک مدل برای تجزیه و تحلیل عوامل فرهنگی مؤثر بر تمکین مالیاتی (بررسی نقش فساد مالی، هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی بر تمکین مالیاتی)، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۹، ۳۵۳.
۱۳. سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۲). برنامه عملیاتی سال ۱۳۹۲، دفتر پژوهش و بهبود فرآیندها،

اداره کل امور اداری و پشتیبانی.

۱۴. سعیدی، پرویز (۱۳۸۱). حسابداری مالیاتی، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ دوم.
۱۵. شافعی، رضا، راستاد، سید آرمان (۱۳۹۵). تمکین مشتریان حقیقی و حقوقی مالیاتی با تأکید بر متغیرهای قومیتی و فرهنگ محلی (مطالعه‌ای در استان‌های غرب کشور)، مجموعه مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
۱۶. شهنازی، روح‌اله، احمدی، وحیده (۱۳۹۵). شبیه‌سازی تأثیر طرح جامع مالیاتی بر کاهش فرار مالیاتی، مجموعه مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
۱۷. شکوری، علی (۱۳۹۰). مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی (با تأکید بر ایران)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۱۸. شاه‌رخ، محمدحسین، تائبی، امیرحسین، برکم، یاسر (۱۳۹۴). میزان تأثیر جرایم مالیاتی در افزایش وصول مالیات در نظام مالیات بر ارزش افزوده "مطالعه موردی مؤدیان بزرگ مالیاتی استان کرمان"، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۹.
۱۹. صبری بقایی، آذرخش، محمدزاده اصل، نادر (۱۳۸۲). شناخت جنبه‌های مختلف اثر بخشی مالیات در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۸: ۱۹۸-۱۷۳.
۲۰. صمدی، منصور، نظریان، محمد، (۱۳۹۲). بررسی و سنجش رضایت مؤدیان مالیاتی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی مرکز تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۲).
۲۱. صادقی، کمال (۱۳۹۱). بررسی تأثیر شاخص کنترل فساد اداری و اثربخشی دولت بر درآمدهای مالیاتی: مطالعه موردی کشورهای با درآمدهای سرانه متوسط و بالا.
۲۲. صمدی، علی حسین، مرزبان، حسین، ساجدیان فرد، نجمه (۱۳۹۳). فرار مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات و رشد اقتصادی در ایران: یک الگوی رشد درون‌زا، مجموعه مقالات، هشتمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۱۳۹۳، ۸، ۸۸.

23. Asian Development Bank (2014). A Comparative Analysis of Tax Administration in Asia and the Pacific, April.
24. Kastlunger, B., Lozza, E., Kirchler, E. & Schabmann, A. (2013). Powerful Authorities and Trusting Citizens: The Slippery Slope Framework and Tax Compliance in Italy, Journal of Economic Psychology, No 34, 36-45.

25. Khan, S. & Swapan, M.S.H (2013). From Blueprint Master Plans to Democratic Planning in South Asian Cities: Pursuing Good Governance Agenda against Prevalent Patron-client Networks. *Habitat International*, 38, 183-191.
26. Gangl, Katharina, Hofmann, Eva, Kirchler, Erich (2015). Tax Authorities' Interaction with Taxpayers: A Conception of Compliance in Social Dilemmas by Power and Trust, University of Vienna, Faculty of Psychology, Austria.
27. lawan, yahaya (2014). The Perception of Corporate Taxpayers, Compliance. *Journal of Management Research*, Vol. 7, No. 2.
28. Rumina, U.A., Balandina, A.S. & Bannova, K.A. (2015). Evaluating the Effectiveness of Tax Incentives in order to Create a Modern Tax Mechanism Innovation Development, *Social and Behavioral Sciences*, 166: 156-160.
29. WWW..um.ac.ir, paper-abstract-1054026.
30. <http://taxcitizenship.tki.org.nz/>17 May 2017.
31. <https://doi.org/10.17576/AJAG-2017>.